



سرپال‌های سسیم، ناتوانی در ارائه الگوی زیستی اسلامی-ایرانی و همچنین عدم ارائه شاخصه‌های رفتاری و شخصیتی تراز و مناسب است. غیر از برخی سرپال‌ها مانند «گاندو» که به قهرمان‌پردازی جوان مسلمان انقلابی و بازنمایی سبک زندگی آن می‌پردازد، در دیگر سرپال‌ها کمتر این فرایند اتفاق می‌افتد.

در سینما و دنیای وی‌اودی‌ها هم نه تنها کمتر اثری از ترسیم سبک زندگی آرمانی دیده می‌شود بلکه مسائلی نظیر برجسته نمایی زندگی شهرنشینی و آپارتمانی، گذراندن اوقات فراغت در کافی‌شاپ‌ها و پاساژها، زیبا نشان دادن زندگی مجردی و یا خانواده بدون فرزند، رفاه‌طلبی، مصرف‌گرایی، تحقیر مستضعفان، پوشش نامناسب، اشراف‌منشی، روابط نامتعارف دختر و پسر، بی احترامی به یکدیگر و عدم رعایت حرمت سالمندان ...و...از جمله خطاهای نامتناسب با فرهنگ اصیل جامعه ماست که از سوی بسیاری از فیلم‌های سینمایی و برخی سرپال‌های شبکه نمایش خانگی در جامعه منتشر می‌شود.

چنان‌که فیلم‌های سینمایی و سرپال‌های تلویزیونی نتوانند سیمای زیبای زندگی براساس آموزه‌های دینی را بازنمایی کنند و به شکلی دراماتیک، شیوه‌های زیستی مبتنی بر فرهنگ خویش را هدد آموزش قرار دهند، بسیاری از مشکلات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ما برطرف می‌شود.

رسوایی رسانه‌ای

رسول شمالی ورزنده

رسانه‌های ضدانقلاب و معاند فارسی زبان باسته به رژیم صهیونیستی، دربار آل‌سعود و استکبار جهانی هر بار به پهنه‌های مختلف، توطئه‌ها و فتنه‌های جدیدی را علیه جمهوری اسلامی ایران آماده کرده برنامهریزی می‌کنند. دشمنان قسم‌خورده ایران اسلامی با توجه به اینکه در فتنه‌ها و آشوب‌های سال‌های ۷۸، ۸۸ و ۹۸ نتوانستند با سناریوسازی و برپایی آشوب‌های خیابانی به اهداف شوم خود دست پیدا کنند این بار موضوع حجاب و آزادی زن را در جامعه ایران به عنوان یک حربه و پوششی برای براندازی نظام مطرح کردند. از همان لحظات اولیه ماجرای مهسا امینی و در گذشت وی، رسانه‌های وابسته به سازمان‌های جاسوسی ام آی سیکیس، سیا و موساد همچون بی‌بی‌سی، صدای آمریکا و بخصوص رسانه ضدانقلاب اینترنت‌شال که از سوی صهیونیست‌ها و دلارهای دربار آل‌سعود حمایت و اداره می‌شود با برنامهریزی‌هایی که از قبل داشتند و سناریوسازی، فضا را به‌سخت آشوب و برپایی یک فتنه بزرگ طراحی کردند. این سناریو از سوی استکبار جهانی به آنها دیکته شده بود و تمام تلاش‌شان این بود که با برپایی آشوب توسط عوامل ضدانقلاب داخلی، کشته سازی کنند. این تلویزیون‌های ضدانقلاب حتی با قطع برنامه‌های عادی خود برای نقش آفرینی متقصد در این جریان فتنه با بخش ویژه برنامهریزی‌های زنده تلویزیونی تلاش کردند که در میان قشرهای مختلف جامعه نفوذ کنند و شهرها را به آشوب بکشاند و در این بین ضدالقابلیون داخلی که همواره گوش‌به‌زنگ این رسانه‌های معاند هستند با تسلیح گرم و سرد وارد معرکه شدند و با تخریب اموال عمومی و مردم به ختنه و کشتار و محل سبک مردم حمله کردند و حتی برخی از مکان‌های مقدس و مسجد هم از تعرض این عوامل خودفروخته وابسته به رژیم صهیونیستی و استکبار جهانی در امان نماند.

اما مردم مومن و انقلابی ایران اسلامی که این بار هم مانند دفعات گذشته بیدار و هوشیار بودند و با ورود به موقع در این ماجرا بساط ضدانقلاب را برچیندند و سپس هوشیاری مردم باعث شد که رسانه‌های معاند فارسی‌زبان مثل بی‌بی سی، صدای آمریکا، اینترنت‌شال، رادیو فردا، تلویزیون منافقین و... دستشان رو شده و رسواتر شوند. در واقع این سناریوی دلیله‌و و مضحک رسانه‌های معلوم‌الحال با شکست مفتضحانه‌ای روبه‌رو شد.



این رسانه‌ها هرگز در پی حمایت از زنان و دختران ایرانی نبوده و نیستند و این بار هم به زعم خودشان فکر می‌کردند که قشرهای مختلف مردم با آنها هم‌کلام و هم‌مسیر خواهند شد اما سخت در اشتباه بسر می‌برند چراکه پدر مهسا امینی طی اظهاراتی، حرکت‌های رسانه‌های ضدانقلاب را به بهانه موضوع دخترش یک فریب بزرگ خواند و حساب مردم را از ضدانقلاب داخل کشور که گوش به فرمان رسانه‌های معاند دارند جدا دانسته و محکوم کرد، به هرحال این رسانه‌های معلوم‌الحال که با پول و دلارهای آل‌سعود و استکبار جهانی به زندگی میکروبی خود ادامه می‌دهند و نفس‌های آخر را می‌کشند باید این موضوع را تا به حال درک کرده باشند که با ایجاد این فتنه‌ها به بهانه حجاب، حقوق پسر، حمایت از قاتلان مردم، تروریست‌ها و...از طریق بوق‌های یوشالی خود هرگز به اهداف شوم خود نخواهند رسید که تاکنون هم نرسیداند. چون این بار هم با مقابله سخت از سوی مردم ما روبه‌رو شدهاند. چون به ماهیت شوم این رسانه‌ها کاملاً واقفانه و به هیچ وجه در میان مردم ما جایی ندارد و توجهی به آنها نمی‌کنند، و تنها یک عده قلیل از عوامل وابسته به رژیم صهیونیستی، ضدانقلاب‌فرار و وابستگان به رژیم منحوس صهیونیست که در خارج به دیورژی افتادند با فضا سازی رسانه‌های معاند سعی می‌کنند که در داخل موج فتنه درست کنند که خوشبختانه هر بار با هوشیاری انقلابی مردم مومن کشورمان توطئه‌ها بر سرر آنها و خود فروختگان ضدانقلاب داخلی خراب شده و بیش از پیش موجب رسوایی این رسانه‌های معاند فارسی‌زبان می‌شوند.

رسانه‌هایی که با همه هزینه‌های هنگفتی که برای این نوع سناریوسازی در اختیارشان قرار می‌گیرد شکست می‌خورند و در میان مردم آزاده جهان و همچنین رسانه‌های آزاد و مستقل جهان هم رسوا می‌شوند. طوری که BBC که به نوعی همواره سعی می‌کرد که به عنوان یک رسانه خبری جهانی خود را به مردم سراسر دنیا تحمیل کند روز به روز در نزد جهانیان بی‌اعتبارتر می‌شود و این رسانه و دیگر رسانه‌های معاند امروز در میان مردم دنیا رسواتر شده‌اند و محکوم به پوچی و نیستی هستند.آن‌ها هر بار بر امواج یک موضوع که برای آنها به هیچ وجه مهم اهمیت ندارد و توجهی هم نمی‌کنند سوار می‌شوند و در ظاهر با مظلوم‌نمایی و سردان عجز و لایه به‌گونه‌ای وانمود می‌کنند که طرفدار حقوق بشر در ایران و حامی زنان و دختران ایرانی هستند که هرگز این گونه نیست چرا که آنها به‌دنبال هدف دیگرانه که در واقع براندازی نظام است و همه داشته‌های رسانه‌ای خود را خرج این مورد می‌کنند اما غافل از مردم ما هستند و از آنجایی که هیچ شنناختی از آرمان‌ها و ارزش‌های والای انقلاب اسلامی و مردم انقلابی‌ما که همواره در وقوع هر توطئه و فتنه به‌طور انقلابی پای کار می‌آیند و فتنه‌گران را به زباله‌دان تاریخ می‌برند ندارند و به‌طور مکرر شکست می‌خورند و از معرکه یا به فرار می‌گذارند.

با تقابل سیاسی و اقتصادی و نظامی نمی‌توانند به اهداف ضدبشری خود برسند. هم از این رو با صدها شبکه ماهواره‌ای و هزاران سایت و صفحه فضای مجازی و صدها هزار نسخه فیلم و سرپال هر روز جامعه ما را هدف بمباران قرار می‌دهند. مسائلی نظیر بی بند و باری در روابط انسانی، مصرف زدگی و اشراف‌گرایی از شاخصه‌های مهم سبک زندگی غربی است که توسط این رسانه‌ها تبلیغ می‌شود. افرادی که این آلودگی‌ها را به عنوان یک ارزش در زندگی خود بپذیرند، خود به خود تبدیل به حیوانات دست‌آموز دولت‌های غربی و پیاده‌نظام آنها در داخل کشورمان می‌شوند.

بهترین مصداق برای توسعه و انتشار یک ایدئولوژی از طریق ترویج سبک زندگی، فیلم‌های هالیوودی است. شیوه این آثار هم این است که تصویری زیبا و خوشایند و رهایی‌بخش از سبک زندگی آمریکایی نمایش می‌دهند. عمده‌ترین شیوه این فیلم‌ها، تخریب فرهنگ و شیوه‌های زیست بومی و سنتی در جوامع و تزریق سبک زندگی غربی در بطن و لایه‌های اجتماعی کشورها ی گوناگون است. البته این کار به شیوه‌ای غیر مستقیم و در قالب درام، فضا سازی و قهرمان‌پردازی صورت می‌گیرد. همان‌طور که رسانه‌ها و محصولات فرهنگی در حال ترویج و تکثیر سبک زندگی غربی هستند. در این سو نیز رسانه‌ها و دستگاه‌های فرهنگی مسئولیت بازسازی الگوهای زیستی اسلامی و انقلابی را برعهده دارند. اما متأسفانه

محصولات رسانه‌های تصویری و به ویژه آثار نمایشی، نظیر فیلم‌های سینمایی و سرپال‌های تلویزیونی علاوه بر اینکه ابزاری برای پر کردن اوقات فراغت و فراتر از آن، یک ابزار حیرت‌انگیز برای ساخت الگوی زندگی در جوامع هستند، سرگرم‌سازی، جذابیت، طرح غیرمستقیم مضامین، نفوذ و رسوخ در ضمیر ناخودآگاه مخاطب و برخورداری از گستره وسیع مخاطبان، از ظرفیت‌های قابل توجه این رسانه‌ها در این زمینه است. به همین دلایل مهم‌ترین عناصر در ترویج شاخصه‌های سبک زندگی در جوامع توسط سینما و تلویزیون و مشتقات و وابسته‌های آنها (یوتانمایی‌ها، گیم‌ها و...) صورت می‌گیرد.

اهمیت این موضوع برای ما از آنجاست که هدف اساسی دشمنان کشور ما طی سال‌های دامن سود بیشتر، تسلیم کرده و آنها نیز در قبال دریافت این درآمد بیشتر، در برابر گزارش‌های مردمی و رسانه‌ها سکوت اختیار کرده و تمام عواقب آن را به دوش سوء مصرف‌کننده‌ها می‌گذارند. برای آنها صرفا دریافت سود بیشتر و درآمد اولویت داشته و هیچ تمهیدی از خود، نسبت به جان انسان‌های بیگناه دیگر ندارند و ذر داروی خود را به قرض ۱۶۰ میلی گرم می‌رسانند، یعنی چهار برابر دزهای اولیه، برای فروش بالاتر.

برای پرسجب بی خطر بودن این دارو، اقدامات غیرقانونی انجام داده و با دستکاری در نمودارها به عمد، فریبکاری کرده و این پرسجب با تاییدیه FDA اعتبار علمی ندارد و علیه مدبران ارشد شرکت پوردوفارما، اعلام دادخواست کلاهبرداری و تعقیب کیفری می‌کند، ولی با لابی‌گری شرکت موفق به اعلام دادخواست نمی‌شود، ولی در نهایت در سال ۲۰۰۷ با اعلام اینکه این شرکت، با علم به اینکه این دارو چه عوارضی داشته، علیه سه نفر از اعضای ارشد شرکت که پنهان کاری کرده و در کنگره سوگند دروغ یاد

از داستان سرپال را سخت و حتی برای نگارنده مطلب نیز، دشوار نموده است و نتوانسته مانند آثاری چون (حافظه)، کریستوفر نولان، یا (۲۱) گرم، آندرو گونزالس) در این حوزه (روایت غیر خطی داستان فیلم)، موفق عمل کند و ببینند را در درک داستان، دچار مشکل می‌کند. ضمن اینکه، (مایکل کیتون) هم در نقش دکتر «ساموئل فینیکس»، جایزه معتبر گلدن گلوب، بهترین مرد سال ۲۰۲۲ را دراین سرپال، به دست می‌آورد. **تحلیلی بر شرکت «پوردو فارما» و تبعات رسوایی سنگین داروی «آکسی کانتین»** طبق اعلام ترانمای بی‌بی‌سی، ثروت اندوزی این خانواده تماماً یهودی توسط سه برادر از بروکلین نیویورک آغاز شد. اثرور، مورتیمر و ریמוوند سکلر، همگی پزشک بودند و در اوایل دهه ۱۹۵۰ شرکت دارویی «پوردو درفیک» را خریدند و بعد به (پوردو فارما) تغییر نام دادند. موفقیت خانواده سکلر با اختراع داروی مسکن قوی «آکسی کانتین» در سال ۱۹۹۶ اوج گرفت و آنها بخش قابل ملاحظه از ثروت خود را با، فروش آکسی کانتین به دست آوردند، در حالی‌که قبل آن محلول ضد عفونی بتادین، از عمده‌ترین تولیدی این شرکت بود. خانواده یهودی سکلر، با داشتن ثروتی حدود ۱۳ میلیارد دلار، نزد همین خانواده ثروتمند دنیا هستند، اما مقام‌های ایالتی و هزاران شاکسی در این کشور معتقدند سکلر‌ها، بخش زیادی از دارایی خود را از خارج از آمریکا، پنهان کرده‌اند.

پس از آن پوردو فارما رسماً، اعلام ورشکستگی خواهد کرد و با نام و مالکیت جدیدی ثبت خواهد شد، قرار است دارایی‌ها و درآمد روزانه آن، صرف پرداخت غرامت به شاکیان شود، اما آنها مالکیت پنهانی لوکس میلیاردری کشتی‌های تفریحی گرانقیمت خود را، از دست نخواهند داد و به سبک خود زندگی را، ادامه خواهند داد. مسؤره لورر، در پاریس فرانسه به علت گره خوردن نام، خانواده سکلر با بحران داروهای مخدر در آمریکا، به همکاری خود با این خانواده خاتمه داد. به گفته نیویورک تایمز، پلاکی که به‌خطر کمک‌های مالی خانواده سکلر به آنها اعطا شده بود، از موزه حذف شد و اشاره‌های مرتبط با بخش سکلر لورر، در بخش‌های دیگر موزه نیز با نوار طوسی رنگ، پوشانده شد. خانواده سکلر به عنوان مالک شرکت پوردو فارما، شرکتی که داروی آکسی کانتین را تولید می‌کند، شناخته می‌شوند. این دارو اخیراً به عنوان یکی از داروهای درگیر در بحران داروهای مخدر آمریکا مطرح شده است و همچنان ادامه دارد...

این سرپال نمایشی است ناهموار و دلخراش، که با هدف آگاهی‌بخشی، در بهترین لحظات خود درد و پرانی ناشی از بی‌پروایی، حرص و طمع را منتقل کرده و چگونه ممکن است یک شرکت داروسازی بتواند، این داده مخدر قوی و ویرانگر را طوری بفروشد که گویی خطرناک نیست و سیستمی با استانداردهای سیستم مراقبت‌های بهداشتی، جرم خودش را بپوشاند، آیا هیچ کجای این سیستم معاللات و تحقیقاتی معتبر دنیا، واقعاً مورد توجه قرار می‌گیرد؟ طبق اعلام رسانه‌های آمریکایی، این کشور در چند سال اخیر با یک بحران جدید اعتیاد روبه‌روست، به گونه‌ای که گزارش مرکز کنترل بیماری‌های این کشور نشان می‌دهد، روزانه ۱۲۰ نفر بر اثر مصرف بیش از حد مواد (اوردو) در آمریکا می‌میرند. طبق آمارهای سال ۲۰۱۷ بیش از ۷۰ هزار نفر در آمریکا، بر اثر اوردو مردند، ضمن آنکه نزدیک به ۷۰ درصد از جان‌باختگان، سابقه آشنایی با موادمخدر از طریق نسخه پزشک را داشتند.

مصرف بیش از حد داروهای اعتیادآور، باعث انتقال افراد زیادی به اورژانس بیمارستان‌ها می‌شود، مصرف بیش از حد داروهای اعتیادآور، فقط در سال ۲۰۲۰ در آمریکا در مقایسه با سال گذشته، ۵۵ درصد افزایش یافته.

حسال که آمریکا، اکنون با اینچنین چالش‌هایی درهضمون سیستم درمانی خود مانند FDA، درمزد فروپاشی بهداشتی، درمانی و اجتماعی قرار گرفته، دیگر از آن رست‌های متکبرانه خبری نیست؛ چون این مراکز نظارت بر فرایند تولید دارو و درمان آمریکائی، برابر با ذ دست دادن جان مردمانی است، که با اعتماد به سیستم بهداشتی و درمانی خود، به حساب بانکی این شرکت‌های دارویی، افزوده‌ند به سلامتی جان خود، چون آنها سوداگران مرگ بودند، نه ناجی جان سلامتی آنان و افرادی که به صرف گرفتن یک مسکن ساده برای درد خود، زندگی آنان به یک ترازوی تلخ، مبدل شده و این داستان پایانی نخواهد داشت!...



کاتلر سرانجام آنان در می‌یابند، که شرکت پوردوفارما، برای پرسجب بی خطر بودن این دارو، اقدامات غیرقانونی انجام داده و با دستکاری در نمودارها به عمد، فریبکاری کرده و این پرسجب با تاییدیه FDA اعتبار علمی ندارد و علیه مدبران ارشد شرکت پوردوفارما، اعلام دادخواست کلاهبرداری و تعقیب کیفری می‌کند، ولی با لابی‌گری شرکت موفق به اعلام دادخواست نمی‌شود، ولی در نهایت در سال ۲۰۰۷ با اعلام اینکه این شرکت، با علم به اینکه این دارو چه عوارضی داشته، علیه سه نفر از اعضای ارشد شرکت که پنهان کاری کرده و در کنگره سوگند دروغ یاد



به پهانه سرپال «دوپسیک»

جان انسان‌های بی گناه قربانی شرکت‌های دارویی آمریکا

مرتضی شعبانی وفا

کرده‌اند، آنان را به داگه‌ای می‌کشاند، ولی آنان با توافق با دادستانی کل ایالات متحده، علیه‌رغم مخالفت شدید خانواده‌های قربانیان، در ازای پرداخت مبلغ هنگفتی در حدود ۷۰۰ میلیون دلار، از اجرای عدالت می‌گریزند، ضمن اینکه به هیبیک از اعضای خانواده سکلر، اتهامی وارد نمی‌شود. در انتهای سرپال که دادستانی ایالت ویرجینیای غربی کاتلر، به رغم موفقیت در محکومیت این شرکت، درهنگام یک دورهمی جهت جشن پیروزی در این کار، با حضور بریجیت، از سوی دادستانی کل ایالات متحده از مقام خود برکنار می‌شود، ولی تبعات این رسوایی همچنان، دامن این شرکت را می‌گیرد که در ادامه، به آن اشاره خواهیم کرد.

دکتر فینیکس پس از ترک اعتیاد خود و بازپس‌گیری جواز طبابت خود، به گروه درمانی به افرادی که اعتیاد خود را ترک کرده‌اند، می‌پردازد و خانواده‌های قربانیان این دارو، که بالغ بر حدود ۴۰۰ هزار نفر غیر مستقیم و مرگ ۲۰۰ هزار نفر، مستقیم برآورد می‌شوند، به دنبال اجرای عدالت، عدالتی غیر قابل تحقق و دستیابی!...

نقد فندی سرپال

عمده مشکل این اثر، روایت داستان سرپال دوپسیک است، که به صورت غیر خطی بیان شده، که درک ببیننده



شرکت پوردوفارما به اعضای هیئت‌مدیره، که همگی از اعضای خانواده سکلرو یهودی نیز هستند، به آنها مرتبا با پرداخت داشتن دو فاکتور اصلی، نیاز است؛ اول: پرداخت مالیات، دوم: گرفتن گواهی استاندارد. اگر این دو موضوع رعایت شود، این شرکت‌ها می‌توانند مانند حرکت در اتوبان با سرعت آزاد، بدون محدودیت حرکت کرده و مسیره‌ا را طی کنند. حال اگر در این شرایط اتفاقی رخ دهد، دیگر آن خطا، خطای انسانی محسوب می‌شود.

در فرایند تولید و توزیع دارو در ایالات متحده، اگر این داروها گواهی FDA (موسسه استاندارد مواد دارویی ایالات متحده آمریکا) را دریافت نمایند، در کنار پرداخت مالیات می‌توانند با اطمینان کامل، به کار خود ادامه دهند و قوانین FDA به‌گونه است که این روند در انحصار این شرکت‌ها به‌نحو قرار خواهد گرفت، که برای تحقیق، تولید و فروش داروی خود، که به‌طور متوسط حدود ۲۰ سال طول می‌کشد، هیچ شرکتی در هیچ کجای دنیا، حق تولید آن دارو با فرمول یا نام برند آن را ندارد و همین موضوع باعث شده این شرکت‌ها در وهله اول، به فکر سود مالی داروی خود باشند، تا نجات جان انسان‌ها.

در این مطلب قصد داریم به سرپال «دوپسیک» بپردازیم که موضوع آن تولید داروی «آکسی کانتین» از اعضای بلند پایه و ارشد حزب جمهوریخواه ایالات متحده، که در سال ۲۰۰۱ درزمان حادثه موسوم به ۱۱ سپتامبر، شهردار نیویورک بوده و در همان سال ۲۰۰۲ در نشریه تایم، به‌عنوان مرد سال نامیده می‌شود، در موزه مباره با تروریسم و مواد مخدر ملاقات می‌کند، در آنجا درمی‌یابد جولیانی نیز در میان مشاوران حقوقی شرکت پوردوفارما، عضویت دارد و نشان می‌دهد، این شرکت با قدرت پول، نفوذ و لابی‌گری خود، تمامی اعضای بلند پایه

پوردوفارما می‌پیوندد. در سال ۲۰۰۴ هنگامی که بریجت با رودی جولیان، از اعضای بلند پایه و ارشد حزب جمهوریخواه ایالات متحده، که در سال ۲۰۰۱ درزمان حادثه موسوم به ۱۱ سپتامبر، شهردار نیویورک بوده و در همان سال ۲۰۰۲ در نشریه تایم، به‌عنوان مرد سال نامیده می‌شود، در موزه مباره با تروریسم و مواد مخدر ملاقات می‌کند، در آنجا درمی‌یابد جولیانی نیز در میان مشاوران حقوقی شرکت پوردوفارما، عضویت دارد و نشان می‌دهد، این شرکت با قدرت پول، نفوذ و لابی‌گری خود، تمامی اعضای بلند پایه وقت کشورا خریداری کرده، تا بدون محدودیت با جان مردم، درآمدزایی کند.

تمامی مواردی که بر اثر عوارض مصرف داروی آکسی کانتین رسانه‌ای می‌شود، شرکت و ریچارد سکلر آنرا همچنان به دوش سوءمصرف کنندگان‌انداخته و همیشه اعلام می‌کنند، اگر این دارو طبق نسخه پزشک و به صورت اصولی مصرف شود، هیچ عارضه‌ای ندارد و مورد تأیید FDA است، در حالی‌که میزان خلوص مرفین این دارو، دو برابر و شدت اعتیادش از هروئین نیز به مراتب، بیشتر است و بریجت همچنان به دنبال مدرکی دال بر خلاف نشان دادن این موضوع، چرا که او بر اساس تجربه و مشاهداتش، بر این امر واقف است، اما تمامی اظهاراتی که به مقامات بالادست گزارش می‌کند، مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد. در ایین حین، دکتر فینیکس بر اثر یک تصادف و برای تسکین دردش، به مصرف‌کننده داروی آکسی کانتینن روی می‌آورد و پس از مدتی خودش نیز به آن اعتیاد شدید، پیدا می‌کند تا جایی که بر اثر سهل انگاری، پروانه طبابت او لغو شده و دیگر اجازه طبابت ندارد، بت نیز در ادامه، بر اثر اوردو، جان خود را از دست می‌دهد و خانواده‌اش به عنوان مبارزه علیه استفاده از این دارو، به خانواده‌های قربانیان دیگر می‌پیوندند و بر اثر تلاش‌های خستگی ناپذیر و مداوم، دادستانی ویرجینیای غربی بیلی



در اقتصادهای متکی به بازار آزاد مانند ایالات متحده آمریکا، هر فرد با شرکتی که می‌خواهد فعالیت داشته باشد، داشتن دو فاکتور اصلی، نیاز است؛ اول: پرداخت مالیات، دوم: گرفتن گواهی استاندارد. اگر این دو موضوع رعایت شود، این شرکت‌ها می‌توانند مانند حرکت در اتوبان با سرعت آزاد، بدون محدودیت حرکت کرده و مسیره‌ا را طی کنند. حال اگر در این شرایط اتفاقی رخ دهد، دیگر آن خطا، خطای انسانی محسوب می‌شود.

در فرایند تولید و توزیع دارو در ایالات متحده، اگر این داروها گواهی FDA (موسسه استاندارد مواد دارویی ایالات متحده آمریکا) را دریافت نمایند، در کنار پرداخت مالیات می‌توانند با اطمینان کامل، به کار خود ادامه دهند و قوانین FDA به‌گونه است که این روند در انحصار این شرکت‌ها به‌نحو قرار خواهد گرفت، که برای تحقیق، تولید و فروش داروی خود، که به‌طور متوسط حدود ۲۰ سال طول می‌کشد، هیچ شرکتی در هیچ کجای دنیا، حق تولید آن دارو با فرمول یا نام برند آن را ندارد و همین موضوع باعث شده این شرکت‌ها در وهله اول، به فکر سود مالی داروی خود باشند، تا نجات جان انسان‌ها.

در این مطلب قصد داریم به سرپال «دوپسیک» بپردازیم که موضوع آن تولید داروی «آکسی کانتین» از اعضای بلند پایه و ارشد حزب جمهوریخواه ایالات متحده، که در سال ۲۰۰۱ درزمان حادثه موسوم به ۱۱ سپتامبر، شهردار نیویورک بوده و در همان سال ۲۰۰۲ در نشریه تایم، به‌عنوان مرد سال نامیده می‌شود، در موزه مباره با تروریسم و مواد مخدر ملاقات می‌کند، در آنجا درمی‌یابد جولیانی نیز در میان مشاوران حقوقی شرکت پوردوفارما، عضویت دارد و نشان می‌دهد، این شرکت با قدرت پول، نفوذ و لابی‌گری خود، تمامی اعضای بلند پایه

پوردوفارما می‌پیوندد. در سال ۲۰۰۴ هنگامی که بریجت با رودی جولیان، از اعضای بلند پایه و ارشد حزب جمهوریخواه ایالات متحده، که در سال ۲۰۰۱ درزمان حادثه موسوم به ۱۱ سپتامبر، شهردار نیویورک بوده و در همان سال ۲۰۰۲ در نشریه تایم، به‌عنوان مرد سال نامیده می‌شود، در موزه مباره با تروریسم و مواد مخدر ملاقات می‌کند، در آنجا درمی‌یابد جولیانی نیز در میان مشاوران حقوقی شرکت پوردوفارما، عضویت دارد و نشان می‌دهد، این شرکت با قدرت پول، نفوذ و لابی‌گری خود، تمامی اعضای بلند پایه وقت کشورا خریداری کرده، تا بدون محدودیت با جان مردم، درآمدزایی کند.

تمامی مواردی که بر اثر عوارض مصرف داروی آکسی کانتین رسانه‌ای می‌شود، شرکت و ریچارد سکلر آنرا همچنان به دوش سوءمصرف کنندگان‌انداخته و همیشه اعلام می‌کنند، اگر این دارو طبق نسخه پزشک و به صورت اصولی مصرف شود، هیچ عارضه‌ای ندارد و مورد تأیید FDA است، در حالی‌که میزان خلوص مرفین این دارو، دو برابر و شدت اعتیادش از هروئین نیز به مراتب، بیشتر است و بریجت همچنان به دنبال مدرکی دال بر خلاف نشان دادن این موضوع، چرا که او بر اساس تجربه و مشاهداتش، بر این امر واقف است، اما تمامی اظهاراتی که به مقامات بالادست گزارش می‌کند، مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد. در ایین حین، دکتر فینیکس بر اثر یک تصادف و برای تسکین دردش، به مصرف‌کننده داروی آکسی کانتینن روی می‌آورد و پس از مدتی خودش نیز به آن اعتیاد شدید، پیدا می‌کند تا جایی که بر اثر سهل انگاری، پروانه طبابت او لغو شده و دیگر اجازه طبابت ندارد، بت نیز در ادامه، بر اثر اوردو، جان خود را از دست می‌دهد و خانواده‌اش به عنوان مبارزه علیه استفاده از این دارو، به خانواده‌های قربانیان دیگر می‌پیوندند و بر اثر تلاش‌های خستگی ناپذیر و مداوم، دادستانی ویرجینیای غربی بیلی

در سال ۲۰۰۲ پنج سال پس از توزیع دارو و گزارش‌های رسمی مردمی، دفتر دادستان ویرجینیای غربی بیلی کاتلر (ویل پولتر) به هم‌راه دو دستیار خود، دست به تحقیق علیه این دارو می‌زنند، اما سوی مقامات بالا تحت فشار قرار گرفته و دادستانی کل وقت ایالات متحده، در واشنگتن «جیمز کومی»، از دادن بودجه بیشتر امتناع و به آنان اخطار می‌دهند، پس از آن این افراد به‌صورت محرمانه و نامحسوس، به تحقیقات خود ادامه داده و ابراز می‌دارند در این سیستم فاسد، به هیچ شخصی نمی‌توان اعتماد کرد.

در موزات این تحقیقات آنها در می‌یابند، شخصی که مجوز تایید این دارو را در FDA داده، یعنی «کورتیس رایت» دو سال بعد از آن، با ۵ برابر دریافتی بیشتر به استخدام، شرکت پوردوفارما درآمده و شرکت پوردوفارما توانسته با این مجوز رسمی، بدون هیچ محدودیتی، اقدام به تولید و فروش این دارو با دوزهای بالاتر کرده، تا سودش را بیشتر کند.

ریچارد سکلر، به عنوان مدیر فروش و مدیرعامل